

فصلنامه علمی - پژوهشی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)

سال نهم، شماره ۲۵، زمستان ۱۳۹۶

بررسی مقوله‌های تصریفی اسم در بلوچی سرحدی گرنچین^۱

عباسعلی آهنگر^۲

موسی محمودزهی^۳

فرزانه جمالزهی^۴

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۷/۲۶

تاریخ تصویب: ۹۶/۰۶/۱۵

چکیده

گوش بلوچی سرحدی زیرشاخه‌ای از بلوچی غربی (رخشانی) است. پژوهش حاضر درصدد است تا مقوله‌های تصریفی یا ساخت‌وازی- نحوی اسم شامل: شمار، جنس دستوری، معرفگی، حالت و مالکیت را در گوش بلوچی سرحدی گرنچین مورد بررسی قرار دهد. این مطالعه هم‌زمانی بر اساس پیکره زبانی گردآوری شده از طریق کار میدانی در منطقه گرنچین واقع در

^۱ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/JLR.2017.6942.1008

^۲ دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول)؛

ahangar@english.usb.ac.ir

^۳ دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه ولایت ایرانشهر؛ m.mahmoudzahi@velayat.ac.ir

^۴ کارشناس ارشد زبان‌شناسی همگانی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان؛

Farzaneh.jamalzehi@yahoo.com

۳۵ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان خاش انجام شده است. داده‌های زبانی از طریق ضبط گفتار آزاد و مصاحبه با ۱۰ گویشور از ساکنین بومی منطقه گرنجین شامل ۵ مرد و ۵ زن بی‌سواد با محدوده سنی ۵۰ - ۸۰ سال گردآوری شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد بلوچی سرحدی در مقوله شمار از تمایز شمار مفرد و جمع برخوردار است. این گویش فاقد نشانه-ای ساخت‌واژی برای مقوله جنس دستوری است. به‌علاوه، اسم در مقوله معرفگی با استفاده از نشانه‌های نحوی و ساخت‌واژی متنوع صرف می‌شود. نظام حالت در این گویش نظام فاعلی-مفعولی است و حالت به‌صورت حالت فاعلی و حالت غیرفاعلی تحقق می‌یابد. در این راستا، حالت غیرفاعلی، به‌نوبه خود، به‌صورت حالت رایسی/برایسی، اضافی/ملکی، ندایی، مکانی، به‌ای، ازی و بایی کاربرد دارد؛ با این وجود، این گویش از نظام ساخت‌کنایی دوگانه در نظام گذشته فعل نیز استفاده می‌کند. مالکیت، علاوه بر استفاده از حالت اضافی/ملکی، به کمک فعل ربطی، حروف اضافه، فعل /daft-en/ و عبارتهای فرضی از فارسی نیز بیان می‌شود.

واژه‌های کلیدی: بلوچی سرحدی، اسم، شمار، جنس

دستوری، معرفگی، حالت، مالکیت

۱. مقدمه

بلوچی سرحدی گونه‌ای از بلوچی غربی است که در ایران در شرق در نواحی خراسان و گلستان و همچنین در نواحی جنوبی‌تر در سیستان و بخش‌های شمالی بلوچستان، اطراف زاهدان و خاش تکلم می‌شود. علاوه بر ایران، بلوچی غربی در منطقه مرو و ترکمنستان، جنوب افغانستان و جنوب غربی پاکستان نیز تکلم می‌شود (Jahani & Korn, 2009).

علی‌رغم بررسی برخی مقوله‌های تصریفی^۱ اسم از جمله شمار^۲، معرفگی^۳، حالت^۴ و مالکیت^۵ در گویش‌های مختلف بلوچی از سوی پژوهشگرانی مانند بارانزهی (Baranzehi, 2003)، جهانی (Jahani, 2003)، آکسنوف (Axenov, 2006)، کرن (Korn, 2008)، کرن (Korn, 2009) و جهانی و کرن (Jahani & Korn, 2009)، تا کنون توصیف کاملی از این مقوله‌ها در بلوچی سرحدی صورت نگرفته است. بنابراین، ارائه توصیف و تبیینی زبان‌شناختی از نظام اسم در بلوچی سرحدی ضروری می‌نماید. در این راستا، هدف پژوهش حاضر بررسی و توصیف هم‌زمانی چگونگی تحقق و باز نمود ویژگی‌های ساخت‌وازی-نحوی^۶ مقوله‌های تصریفی اسم شامل شمار، جنس دستوری^۷، معرفگی، حالت و مالکیت در ساختار ساخت‌وازی اسم در بلوچی سرحدی است.

داده‌های پژوهش از طریق ضبط گفتار آزاد و مصاحبه با ۵ مرد و ۵ زن بی‌سواد که در محدوده سنی ۸۰ - ۵۰ سال قرار داشته و گویشور بومی بلوچی سرحدی ساکن منطقه گرنجین^۸ بودند، گردآوری شده است. همه زنان خانه‌دار بودند. مردان به شغل کارگری، کشاورزی و دام‌داری مشغول بودند. پیکره زبانی مورد مطالعه از حدود ۴۰۰ دقیقه ضبط گفتگوها و مصاحبه گویشوران با یکدیگر و یکی از پژوهشگران پیرامون فعالیت‌های روزانه، خاطرات، داستان، وضعیت زندگی، مراسم ازدواج و نیز مسائل متفرقه استخراج گردیده است.

پژوهش حاضر شامل چهار بخش است. پس از مقدمه، بخش دوم به معرفی مفاهیم نظری اصلی پژوهش اختصاص دارد. در بخش سوم، مقوله‌های تصریفی اسم در بلوچی سرحدی شامل شمار، جنس دستوری، معرفگی، حالت و مالکیت مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش چهارم، نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

¹ inflectional categories

² number

³ definiteness

⁴ case

⁵ possession

⁶ morpho-syntactic

⁷ gender

^۸ از این پس منظور از بلوچی سرحدی، بلوچی سرحدی رایج در منطقه گرنجین است.

۲. مفاهیم نظری پژوهش

ویژگی‌های ساخت‌واژی - نحوی به مجموعه ویژگی‌هایی گفته می‌شود که در مقوله‌های تصریفی مختلفی مانند شمار، زمان، مطابقه و مقایسه بازنمود می‌یابند (Štekauer & Lieber, 2005: 50).

شمار یکی از رایج‌ترین مقوله‌های تصریفی اسم قلمداد می‌شود. در واقع، «تمام جوامع زبانی روش‌هایی را برای رمزگذاری مقوله شمار دارند. اکثر زبان‌ها بین یک و بیشتر از یک تمایز قائل می‌شوند» (Katamba & Stonham, 2006: 250). به اعتقاد کوربت (Corbett, 2004: 2)، «شمار می‌تواند مقوله‌ای اسمی یا فعلی باشد. در برخی از زبان‌ها مانند زبان‌های هند و اروپایی، شمار مقوله‌ای اسمی است که اسم‌ها و ضمائر را تحت تأثیر قرار می‌دهد اما زبان‌هایی هم وجود دارند که در آنها، شمار مقوله‌ای فعلی است و شمار رویدادها را نشان می‌دهد». در این راستا، «ساده‌ترین و متداول‌ترین نظام شمار، تمایز مفرد و جمع را نشان می‌دهد. این تمایز، تمایز اولیه‌ای است که همه نظام‌های شمار بر اساس آن بنا شده‌اند» (Corbett, 2004:20).

از سوی دیگر، از دیدگاه اُگرادی، دابروولسکی و آرونوف (O'grady, Dobro-volsky & Aronoff, 2001: 181-182) «در طبقه‌بندی جنس برخی از زبان‌ها مانند فرانسه، ایتالیایی و اسپانیایی، اسم‌ها یا مذکرند یا مؤنث و در برخی دیگر مانند آلمانی، سه زیرطبقه مذکر، مؤنث و خنثی وجود دارد. به‌طور کلی، میان جنس ذاتی موجودات زنده و جنس دستوری اسم دلالت‌کننده بر آنها رابطه وجود دارد. اما اغلب اسم‌های بی‌جان در زبان‌های دارای جنس کمابیش به‌طور قراردادی طبقه‌بندی می‌شوند. حتی بعضی از اسم‌ها که بر موجودات جاندار دلالت می‌کنند، ظاهراً به‌طور قراردادی طبقه‌بندی می‌شوند». از سوی دیگر، به باور هلینگر و بوفمن (Hellinger & Bußmann, 2001: 6)، «فقدان جنس دستوری در یک زبان به این معنا نیست که «جنس» در مفهوم گسترده‌تر آن را نمی‌توان بیان کرد. مقوله‌های مختلف دیگری از جنس وجود دارند که می‌توان برای انتقال پیام‌های جنس‌دار به‌کار برد». هلینگر و بوفمن (Hellinger & Bußmann, ibid)

جنس واژگانی، جنس ارجاعی، جنس کاذب و جنس اجتماعی را از جمله این مقوله‌ها ذکر کرده‌اند.

همچنین، معرفی مقوله‌ای تصریفی است که در قالب اسم معرفه و اسم نکره تحقق می‌یابد. «در مواردی که اسم به چیز، جانور، انسان، مکان، زمان، پدیده یا به‌طور کلی به مورد یا مواردی اشاره کند که برای گوینده یا شنونده شناخته شده است و یا گوینده این گونه تصور می‌کند، آن اسم، معرفه است» (Meshkato- Dini, 2009: 42). از سوی دیگر، «نکرگی از لحاظ معنا به یک یا چند فرد و یا مورد نامشخص اعم از انسان، جانور، گیاه و یا هر چیز مادی یا غیرمادی اشاره می‌کند» (Meshkato-Dini, ibid). در این ارتباط، هم اسم‌های معرفه و هم اسم‌های نکره می‌توانند دارای نمودهای نحوی، ساخت‌واژی و یا ترکیبی از هر دو باشند. به‌علاوه، برخی اسم‌ها ممکن است به‌صورت ذاتی معرفه باشند (Mahootian, 2005).

به‌علاوه، حالت ویژگی دستوری‌ای است که نقش دستوری یک اسم یا گروه اسمی را درون یک گروه یا جمله نشان می‌دهد. زبان‌های مختلف به شیوه‌های گوناگونی اسم یا گروه اسمی مورد نظر را حالت نشانی می‌کنند. از آن جمله می‌توان به جایگاه یا نقش دستوری سازه‌ها، ترتیب ثابت سازه‌ها درون گروه اسمی و یا جمله، نشانه‌گذاری اسم هسته و یا وابسته‌های آن اشاره کرد. در این ارتباط، دبیرمقدم (Dabir-Moghaddam, 2013) به پیروی از کامری (Comrie, 1978) پنج الگوی رده‌شناختی از نظام حالت در زبان‌های گوناگون را معرفی می‌کند. در این راستا، به‌طور کلی، در میان نظام‌های حالت در زبان‌های مختلف، دو نظام فاعلی-مفعولی^۱ و کنایی-مطلق^۲ در مقایسه با دیگر نظام‌های حالت رایج‌تر می‌نمایند. در نظام فاعلی-مفعولی عامل و فاعل به صورتی متفاوت از مفعول نشانه‌گذاری می‌شوند یعنی فاعل فعل‌های لازم و متعدی حالت فاعلی^۳ دارد در حالی که مفعول فعل متعدی، حالت مفعولی^۴ دارد. از سوی دیگر، در نظام

¹ nominative-accusative

² ergative- absolutive

³ nominative case

⁴ oblique case

کنایی - مطلق (یا فقط کنایی) فاعل و مفعول به یک صورت و عامل به صورتی متفاوت نشانه گذاری می‌شود. فاعل (عامل) فعل متعدی حالت کنایی دارد ولی مفعول فعل متعدی و فاعل فعل لازم هر دو حالت مطلق دارند (Katamba & Ston-Tallerman, 2011: 182) نظام کنایی دو گانه^۱ را نیز به عنوان نظامی که ترکیبی از ویژگی‌های کنایی و مفعولی است، معرفی می‌کند. در این نظام، پاره‌ای از زبان‌ها برای برخی ساختارها از حالت‌نمایی کنایی و برای برخی دیگر از حالت‌نمایی مفعولی استفاده می‌کنند (برای توضیح بیشتر پیرامون انواع نظام‌های حالت ر.ک. Comrie, 1978; Dixon, 1994; Croft, 2003; Dabir-Moghaddam, 2013).

مالکیت نیز مقوله‌ای تصریفی از اسم به شمار می‌آید که نشان‌دهنده رابطه بین اسم مالک و اسم مملوک است. این مقوله نیز در زبان‌های گوناگون با استفاده از ابزارهای نحوی و ساخت‌واژی و یا ترکیبی از هر دو نشان داده می‌شود.

۳. مقوله‌های تصریفی اسم در بلوچی سرحدی

در این بخش از پژوهش، چگونگی تحقق ساخت‌واژی-نحوی مقوله‌های تصریفی اسم شامل شمار، جنس دستوری، معرفگی، حالت و مالکیت در نظام اسم بلوچی سرحدی بر اساس پیکره زبانی مورد نظر بررسی و توصیف می‌شود.

۳.۱. شمار

نظام شمار بلوچی سرحدی با دو تمایز مفرد و جمع همراه است. اسم مفرد در بلوچی سرحدی فاقد نشانه ساخت‌واژی یا تصریفی آشکار است. به بیان دیگر، زیرمقوله مفرد در این گویش دارای نشانه تصریفی صفر (\emptyset) است. اسم جمع در بلوچی سرحدی با استفاده از پسوند تصریفی /-an/ ساخته می‌شود. این تکواژ برای جمع بستن همه اسم‌ها (جان‌دار، بی‌جان، قابل شمارش و غیرقابل شمارش) به کار می‌رود؛ مانند:

¹ split ergative system

مفرد	جمع	مفرد	جمع
1. a) /zahg/ "فرزند"	/zahg-an/ "فرزندان"	b) /ap/ "آب"	/ap-an/ "آبها"
c) /ruətf/ "روز"	/ruətf-an/ "روزها"	d) /tʃamm/ "چشم"	/tʃamm-an/ "چشمها"
e) /dʒarr/ "گیاه"	/dʒarr-an/ "گیاهان"	f) /su:tʃen/ "سوزن"	/su:tʃen-an/ "سوزنها"

اما در خصوص مقولۀ شمار در بلوچی سرحدی استثنایابی هم وجود دارد که ذکر چند نکته را ضروری می‌سازد:

۱. از دیدگاه کوربت (Corbett, 2004: 19) مقولۀ شمار در مورد اسم‌های عام، اهمیت خود را از دست می‌دهد و تمایز مفرد و جمع از بین می‌رود. شمار عام^۱ بیان معنای اسم مستقل از شمار است. این ویژگی را در بلوچی سرحدی می‌توان با نمونه‌های زیر نشان داد. در جمله (۲) صورت مفرد /hoʃter/ "شتر" به معنای "یک شتر" نیست، بلکه به معنای شتر در مفهوم عام آن است.

2. /ma	hoʃter	daʃt/
we	camel	have.PAST.3SG

"ما شتر داشتیم."

همچنین، در جمله‌های (۳) هر دو جمله (a) و (b)، یک معنا دارند و صورت مفرد /hoʃter/ و جمع آن /hoʃter-an/ به تعداد شترها اشاره نمی‌کنند، بلکه منظور، "شتر" در مفهوم عام آن است.

3. a) /hoʃter	ruətf-iə	se:	ap-a	wa/
camel	day.INDEF	three	water-V.EL	eat.PRES.3SG

"شتر روزی سه (بار) آب می‌خورد."

b) /hoʃter-an	ruətf-iə	se:	ap-a	war-an/
camel-PL	day-INDEF	three	water-V.EL	eat.PRES-3PL

"شترها روزی سه (بار) آب می‌خورند."

۲. اسم‌هایی که مصداق منحصر به فردی در عالم واقع دارند، جمع بسته نمی‌شوند. اگر هم با نشانه جمع به کار روند، معنای متفاوتی به خود می‌گیرند.

4. a) /ruə(tʃ)	ʃa	kuəh-a	sar-a	kan/
sun	from	mountain-OBL	on-V.EL	do.RES.3SG

"خورشید از کوه سر (طلوع) می‌کند."

b) /ruətf-an	tah	kuəti-j-an	ʃap-an	ham-edan-iən/
day-PL	inside	room-HI-PL	night-PL	EMPH-here-COP.PRES.1PL

"روزها در اتاق‌ها، شب‌ها همین جا هستیم."

¹ general number

در جمله (4b) /ruəʃf/ ”خورشید“ با گرفتن نشانه جمع، به /ruəʃf-an/ ”روزها“ تغییر معنا داده است.

۳. نشانه جمع /-an/ با اسم‌های غیرقابل شمارش نیز به کار می‌رود:

5. a) /ʃi:r/ → /ʃi:r-an/ ”شیرها (شیر نوشیدنی)“ b) /ruəgen/ → /ruəgen-an/ ”کره‌ها، روغن‌ها“
 c) /hatok/ → /hatok-an/ ”خورش‌ها“ d) /guəʃt/ → /guəʃt-an/ ”گوشت‌ها“

از دیدگاه پایین (Payne, 1999) و آکسنوف (Axenov, 2006)، اسم غیرقابل شمارش با صورت مفرد بر معنای عام یا مقدار مشخص دلالت می‌کند. در جمله (۶) از بلوچی سرحدی اسم غیرقابل شمارش /gallah/ ”گندم“ با صورت مفرد در معنای عام به کار رفته است.

6. /jakk-om **gallah** draw-a bi:/
 one-ORD wheat harvest-V.EL become.PRES.3SG

”یکم گندم درو می‌شود.“

۴. اسم‌هایی که از نظر صورت مفرد و در معنا جمع هستند، اسم جمع^۱ نامیده می‌شوند. واژه‌هایی مانند /təjəpa/ ”طایفه“، /ramag/ ”گله گوسفند و بز“، /bagg/ ”گله شتر“ و /koum/ ”قوم“، مانند /romm/ ”تعداد زیادی (از افراد)“، /gatʃf/ ”تعداد زیادی (از افراد)“، /borr/ ”تعداد زیادی (از افراد)“، نمونه‌هایی از اسم جمع در بلوچی سرحدی هستند.

7. a) /sardar **bagg-ia** dar-i:/
 commander herd of camel-INDEF have.PRES-3SG

”سردار گله‌ای شتر دارد.“

- b) /mazan-iən **romm-ia** ʃ-in-gu jaht/
 big-ATTR large number-INDEF from-this-side come.PAST.3SG

”دسته (گروه) بزرگی از این سو آمد.“

۵. برخی از اسم جمع‌های عربی موجود در بلوچی سرحدی مانند /ahwal/ ”احوال“، /ʔoza/ ”اوضاع“، /wasael/ ”وسایل“ و /axlaq/ ”اخلاق“ گاهی با پسوند /-an/ جمع بسته می‌شوند و با فعل جمع به کار می‌روند.

8. /tej **wasael-an** kapt-an/
 you.GEN means-PL fall.PAST-3PL

”وسایلت افتادند.“

^۱ collective noun

۶. در نمونه‌های (۹) پس از عدد اصلی جمع (a و b)، عدد ترتیبی (c) و سور (d)، اسم با شمار مفرد به کار می‌رود.

9. a) /si: **hofter** bar-a kan fa war-ag-i:/
 thirty camel load-V.EL do.PRES.3SG from eat.PRES- INF-GERV
 ”سی شتر از خوردنی بار می‌کند.“

b) /tʃardah **poft** gwast-a/
 fourteen generation pass.PAST-PP
 ”چهارده نسل گذشته است.“

c) /hapt-um-iæn **bar-a** mna luət -et p-kof-i:/
 seven-ORD-ATTR time-OBL I.ACC want.PAST.3SG SUBJ-kill.PRES-3SG
 ”هفتمین بار خواست مرا بکشد.“

d) /hetʃtʃ **ka** ti: koum-a na-zant/
 none person you.GEN tribe-ACC NEG-know.PRES.3SG
 ”هیچ کس قوم تو را نمی‌شناسد.“

در جمله‌های (۱۰) پس از عدد جمع یا مفرد، اسم غیرقابل شمارش با صورت مفرد بیانگر تعداد یا مقدار مشخصی (سه بار آب خوردن یا یک لیوان آب) است.

10. a) /hofter ruətʃ-iə se: ap-a wa/
 camel day-INDEF three water-V.EL eat.PAST.3SG
 ”شتر روزی سه (بار) آب می‌خورد.“

b) /jakk liwan-iə ap-et ke wa
 one glass-INDEF water-PRON.SUFF.2SG that eat.PAST.3SG
 hazm-a bi:/
 digestion-V.EL become.PRES.3SG
 ”یک لیوان آب که بخوری، هضم می‌شود.“

۷. واژه‌های قرضی فارسی و عربی هم با پسوند تصریفی /-an/ جمع بسته می‌شوند؛ مانند:

اسم جمع → تکواژ جمع + اسم مفرد

11. a) /dʒomaʔat/ + /-an/ → /dʒomaʔat-an/ ”جماعت‌ها“
 b) /jarana/ + /-an/ → /jarana-w-an/ ”یارانه‌ها“
 c) /mantaya/ + /-an/ → /mantaya-w-an/ ”ها“
 d) /zakat/ + /-an/ → /zakat-an/ ”زکات‌ها“

۸. در اسم‌های مفردی که به واکه‌های پسین /u/ و /a/ یا واکه پیشین /a/ و یا واکه مرکب /uə/ ختم می‌شوند، پس از گرفتن پسوند جمع، واج میانجی /w/ میان دو واکه ظاهر می‌شود.

12. a) /madrasa → /madrasa-w-an/ “مدرسه‌ها” b) /laʃa/ → /laʃa-w-an/ “لاشه‌ها”
 c) /dowa/ → /dowa-w-an/ “دعاها” d) /ʃatua/ → /ʃatua-w-an/ “قمری‌ها”
 e) /danku/ → /danku-w-an/ “گندم‌های برشته شده”

اما در اسم‌های مفردی که به واکه پیشین /i/ ختم می‌شوند، پس از گرفتن پسوند جمع، واج میانجی /j/ میان دو واکه ظاهر می‌شود.

۹. اعداد با پسوند وصفی /-iən/ یا بدون آن هم با /-an/ جمع بسته می‌شوند:

14. a) /ʃa hapt-iən-an jakk-iə pa ti:
 from seven-ATTR-PL one-INDEF for self.GEN
 mo:t-a mer-i:/
 death-OBL die.PRES-3SG

“از هفت تا یکی به مرگ (طبیعی) خودش می‌میرد.”

- b) /se: o tʃar-an-a gwapt/
 three and four-PL-ACC weave.PAST.3SG

“سه چهارتا را بافت.”

۱۰. علاوه بر اسم، شمار در صفت‌های جانشین اسم هم نشانه‌گذاری می‌شود. صورت مفرد و جمع صفت‌های جانشین اسم همانند اسم‌هاست. صورت مفرد چنین صفت‌هایی فاقد نشانه تصریفی آشکار است در حالی که صورت جمع نشانه تصریفی جمع /-an/ می‌گیرد.

صفت جمع → پسوند جمع /-an/ + صفت وصفی

15. a) /tu:h-iən/ + /-an/ → /tu:h-iən-an/ “بزرگ‌ها” b) /sohr-iən/ + /-an/ → /sohr-iən-an/ “سرخ‌ها”
 16. a) /dʒwan-iən-an-a ta pahk zo/
 good-ATTR-PL-ACC you all take.PAST.3SG

“همه خوب‌ها را تو برداشتی.”

- b) /gwand-ok-an -a gwazi-j-a na-da-j-an/
 small-DIM -PL-ACC play-HI-V.EL NEG-give.PRES-HI-1SG

“کوچولوها را گول نمی‌زنم.”

۲.۳. جنس دستوری

بلوچی سرحدی فاقد هرگونه نشانه ساخت‌واژی آشکار برای جنس دستوری است. به بیان دیگر، جنس دستوری در این گویش نشانه تصریفی صفر (Ø) دارد. با وجود این، با بررسی پیکره مورد بررسی در بلوچی سرحدی مواردی از جنس واژگانی، جنس ارجاعی و جنس اجتماعی یافت شد.

۳.۲.۱. جنس واژگانی

از دیدگاه هلینگر و بوفمن (Hellinger & Bußmann, 2001: 8)، «در هر زبانی، جنس واژگانی پارامتر مهمی در ساخت اصطلاحات خویشاوندی، اصطلاحات خطاب و برخی از اسم‌های شخصی پر کاربرد است. جنس واژگانی ممکن است از نظر ساخت‌واژی دارای نشانه یا فاقد آن باشد». در بلوچی سرحدی، جنس واژگانی را می‌توان در اصطلاحات خویشاوندی، اصطلاحات خطاب، اسم‌های شخصی افراد و حیوانات یافت؛ مانند:

۱- جنس واژگانی در اصطلاحات خویشاوندی

مؤنث	مذکر	مؤنث	مذکر
”خواهر“ /gohar/	”برادر“ /bras/	”مادر“ /mas/	”پدر“ /pess/
”خاله / عمه“ /tru:/	”عمو/دایی“ /nakuə/	”خواهرزاده“ /goharzaht/	”برادرزاده“ /brazaht/
”خاله / عمه‌زاده“ /tru:zaht/	”عمو / دایی‌زاده“ /nakuəzaht/		

در واژه‌های مرکب /brazaht/، /goharzaht/، /nakuəzaht/ و /tru:zaht/ جنس مذکر یا مؤنث فرزند برادر، خواهر، عمو/دایی و خاله/ عمه مشخص نیست و این واژه‌ها برای هر دو جنس به کار می‌روند.

۲- جنس واژگانی در اصطلاحات خطاب

مؤنث	مذکر
”بی بی“ /bi:bi:/	”سردار“ /sardar/
”مادربزرگی“ /balli:/	”آقا“ /wadza/
”مادر“ /masi:/	”حاکم“ /hakom/
”دختر“ /dotta/	”پسر“ /batʃa/
”خواهر“ /dade/	”برادر“ /lale/
”خانم (مسن)“ /zalak/	”پدر“ /babe/

۳- جنس واژگانی در اسم‌های خاص

در بلوچی سرحدی برخی واژه‌ها فقط به‌عنوان اسم خاص جنس مؤنث و برخی هم فقط به‌عنوان اسم خاص جنس مذکر به کار می‌روند: واژه‌های /mah, mah/ ”ماه“، /pari/ ”پری“، /banu:/ ”بانو“، /bi:bi:/ ”بی بی“ و /hatu:n/ ”خاتون“ فقط برای نام‌گذاری جنس مؤنث یا در ترکیب با اسم‌های مؤنث به کار می‌روند؛

مانند: /mah bi:bi:/ "مه بی بی"، /zar banu:/ "زربانو"، /fah pari/ "شه پری" و /gol hatu:n/ "گل خاتون". اسامی ایام هفته فقط برای نام‌گذاری جنس مذکر به کار می‌روند؛ مانند: /dʒomma/ "جمعه" و /famme/ "شنبه".

برخی از اسامی حیوانات به‌ویژه پرندگان فقط برای نام‌گذاری جنس مذکر و برخی دیگر هم فقط برای نام‌گذاری جنس مؤنث به کار می‌روند تا بیانگر شباهت این اشخاص در برخی صفات و ویژگی‌ها نظیر شجاعت (مانند شیر یا بپر)، زیبایی (مانند کبک، قمری یا کبوتر) و... به این موجودات باشند؛ مانند: /fiər mhammad/ "شیرمحمد"، ar+/maz/ "مزار (بپر)" برای نام‌گذاری مردها، و /koug-ok/ "کبک"، /morg-ok/ "پرنده"^۱، /kapuət/ "کبوتر"، /komejt/ "کمیت (گونه‌ای اسب)" و /fatuə/ "قمری" برای نام‌گذاری زن‌ها به کار می‌روند.

همچنین اسامی بعضی از گیاهان فقط برای جنس مذکر و اسامی بعضی دیگر از آنها فقط برای جنس مؤنث به کار می‌روند؛ مانند: /kasu:r/ "نام درختی کوهستانی"، /kahu:r/ "نوعی درخت بیابانی"، /kariətʃ/ "نوعی بوته بیابانی"، /gazzi:/ "برگرفته از نام درخت گز"، /konar/ "درخت سدر"، /gwata:m/ "بادام"، /poluʃ/ "بوته‌ای بیابانی" فقط برای نام‌گذاری مردها و گیاهان دارویی مانند /golderr/، /pu:rtʃenk/، /tu:tari/، /ezbuətk/، /kalpuəra/، /ezgend/ فقط برای نام‌گذاری زن‌ها به کار می‌روند.

۴- جنس واژگانی در اسامی حیوانات

نام حیوان	جنس ماده	جنس نر
19. a) /hofter/	/dɑ:tʃi:/	/liəɖɑ/ "شتر"
b) /sag/	/mend/	/naraz/ "سگ"
c) /boz/	/boz/	/patʃen/ "بز"
d) /pas/	/miəʃ/	/gwarand/ "گوسفند"
e) /morg/	/matk/	/koruəs/ "مرغ"

^۱ پسوند /-ok/ در بلوچی سرحدی وندی اشتقاقی است و در اینجا اسم مصغر تحبیب ساخته است.

^۲ /morg/ در بلوچی سرحدی هم به معنای «پرنده» و هم به معنای «مرغ» است.

در اسامی برخی از حیوانات، برای بیان جنس ماده، واژه /mada/ «ماده» پیش از اسم حیوان اضافه می‌شود.

نام حیوان	جنس نر	جنس ماده
20. a) /guək/	«گاو» /kari:gar/	/mada guək/
b) /har/	«خر» /lag/	/mada har/

در مورد سایر حیوانات، جنسیت به کمک واژه‌های /nar-iən/ «نر» و /madag-iən/ «ماده» به‌عنوان صفت وصفی قبل از اسم حیوانات بیان می‌شود.

نام حیوان	جنس نر	جنس ماده
21. a) /kapuət/	«کیوتر» /nar-iən kapuət/	/madag-iən kapuət/
b) /kouɡ/	«کیک» /nar-iən kouɡ/	/madag-iən kouɡ/
c) /harguəʃk/	«خرگوش» /nar-iən harguəʃk/	/madag-iən harguəʃk/

۳.۲.۲. جنس ارجاعی

براساس هلینگر و بوفمن (Hellinger & Bußmann, 2001: 8)، «جنس ارجاعی، عبارات زبانی را به واقعیات غیرزبانی ربط می‌دهد. چنین ارجاعی تعیین می‌کند مصداق، مذکر، مؤنث یا دارای جنس نامعین است. به‌عنوان مثال، اسم «Mädchen» (دختر) در آلمانی، از نظر دستوری خنثی است اما خصوصیات واژگانی - معنایی [مؤنث] دارد و عموماً برای ارجاع به مؤنث به کار می‌رود». نمونه چنین جنسی در بلوچی سرحدی واژه /dottag/ «دختر» یا /adʒezag/ «ضعیفه» هستند که از نظر دستوری خنثی هستند ولی فقط برای ارجاع به مؤنث به کار می‌روند.

۳.۲.۳. جنس اجتماعی

از دیدگاه هلینگر و بوفمن (Hellinger & Bußmann, 2001: 10)، «جنس اجتماعی مقوله‌ای است که به «دوگانگی نقش‌ها و خصوصیات مردانه و زنانه که از لحاظ اجتماعی تحمیل شده‌اند» اشاره می‌کند». آنها بر این باورند که جنس اجتماعی به تصورات کلیشه‌ای در مورد نقش‌های اجتماعی مناسب مردان و زنان مربوط است. نقض این تصورات، نیاز به نشانه‌گذاری صوری آشکار دارد؛ مانند «male nurse» (پرستار مرد) یا «female surgeon» (جراح زن) در زبان انگلیسی. در این ارتباط،

به‌عنوان نمونه جنس اجتماعی در بلوچی سرحدی از واژه‌های قرضی فارسی شامل خانم و آقا برای خطاب به دو جنس مذکر و مؤنث استفاده می‌شود. درحالی‌که برای دکتر یا معلم زن از اصطلاح /hanom/ ”خانم“ به‌تنهایی و یا همراه با واژه-های دکتر و معلم استفاده می‌شود، برای ارجاع به دکتر یا معلم مرد از واژه /aga/ ”آقا“ به‌تنهایی و یا به‌ندرت آن را با واژه‌های معلم و دکتر استفاده می‌کنند.

۳.۳. معرفگی

یکی از مقوله‌های تصریفی ذاتی اسم در بلوچی سرحدی مقوله معرفگی است. بر این اساس، اسم‌های بلوچی سرحدی در دو گروه اسم‌های معرفه و اسم‌های نکره قرار می‌گیرند.

۳.۳.۱. اسم معرفه

معرفگی اسم در بلوچی سرحدی، گاه به صورت ذاتی است و گاهی هم از طریق ساخت‌وازی و نحوی بیان می‌شود. بنابراین می‌توان سه صورت معرفگی زیر را برای اسم در این گویش برشمرد:

الف) معرفگی ذاتی: برخی اسم‌ها بدون نشانه تصریفی، معرفه هستند. اسم خاص و اسم جنس از این دسته‌اند.

اسم خاص: «اسمی است که بر فرد یا افراد مخصوص و معینی اطلاق می‌شود و همه افراد هم‌جنس را شامل نمی‌شود. اسم‌های خاص را می‌توان در چهار گروه قرار داد: اسم خاص انسان‌ها، اسم خاص حیوان‌ها، اسم مخصوص مکان‌ها و اسم کتاب‌ها و اشیایی که بیش از یکی نیستند» (Anvari & Givi, 1988: 81). در زیر، نمونه‌هایی از اسم‌های خاص بلوچی سرحدی ارائه شده‌اند:

- ۱- اسم مخصوص انسان‌ها: /hemmat/ ”همت“، /rostrom/ ”رستم“، ...
- ۲- اسم مخصوص حیوان‌ها: /liəda/ ”شتر نر“، /kari:gar/ ”گاو نر“، ...
- ۳- اسم مخصوص مکان‌ها: /grantfen/ ”گرنجین“، /gazzuə/ ”گزو“، ...
- ۴- اسم کتاب‌ها و اشیایی که بیش از یکی نیستند: /koran/ ”قرآن“.

اسم جنس همه افراد یک جنس را در بر می‌گیرد، مانند: /drahtf/ "درخت"، /pas/ "گوسفند"، /zahg/ "بچه"، ...

ب) معرفگی ساخت‌وازی: «از نظر تصریفی، معرفگی یک اسم را می‌توان با استفاده از پایانه‌های حالت بیان کرد» (Axenov, 2006: 64). از دیدگاه گرن (Korn, 2009: 44) "در نظام حالت بلوچی نیز مانند برخی دیگر از زبان‌ها، همه مفعول‌ها نشانه حالت نمی‌گیرند و پسوند حالت فقط با مفعول‌های صریح معرفه به کار می‌رود". پسوند حالت مفعولی در بلوچی سرحدی پسوند /-a(rə)/ است. با توجه به آنچه گفته شد، اسم‌هایی که این پسوند تصریفی را دارند، معرفه‌اند. در واقع، معرفگی این مفعول‌ها خود به دلیل قرار گرفتن در بافت‌های نحوی خاصی است که در ادامه (قسمت ج) معرفی شده‌اند.

22. a) /ti: tʃahi-j-a sard b-kan-iən/
you.GEN tea- HI-ACC cold SUBJ-do.PRES-1SG

"چایت را سرد بکنم."

b) /ma-gwa ke man j-iə kuər-ara
PROH-say.PRES.2SG that I PROTH-this blind-DAT
hazar tu:man dat-a/
thousand toman give.PAST-PP

"نگو که من به این نایینا هزار تومان داده‌ام."

ج) معرفگی در بافت نحوی: در بلوچی سرحدی اسم به شیوه‌های زیر در بافت‌های نحوی مربوط معرفه می‌شود.

۱. ضمیر اشاره / (j)iə/ "این"، /a/ "آن"، /ʃi:/ "این"، / (j)iəʃi:/ "این"، /aʃi:/ "آن یا او" (با صورت ضمیر شخصی سوم شخص مفرد یکسان است) و صورت‌های تأکیدی این ضمائر /ham-iə/ "همین"، /ham-a/ "همان"، /ham-ʃi:/ "همین"، /ham-aʃi:/ "همان" در نقش صفت اشاره + اسم:

23. /ma-ra hannu: hoda ham-ʃi: merad-a b-dant/
we-ACC now God EMPH-this wish-ACC SUBJ-give.PRES.3SG

"حالا خدا ما را به همین آرزو برساند."

^۱ «ضمائر اشاره دور برای ضمائر شخصی سوم شخص هم به کار می‌روند» (Jahani & Korn, 2009: 655).

۲. ضمیر ملکی /mni:/ "مال من"، /ti:/ "مال تو"، /qji:/ "مال او"، /mni: o

tai:/ "مال من و تو"، /mej/، /majm-ej/، /mejm-ej/ "مال ما"، /fomej /

"مال شما"، /awani/ "مال آنها" در نقش صفت ملکی^۱ + اسم :

24. a) / ti: zahg ham-iə jakk-i-ən/
you.GEN child EMPH-this one-COP.PRES.3SG

"فرزندت همین یکی است؟"

b) /j-iəfɪ: mni: nakuəzaht -i-ən/
PROTH-this I.GEN cousin-COP.PRES.3SG

"این دختر/پسرعموی من است."

۳. اسم + ضمائر پسوندی:

25. a) /fɪ:r-et tah-a-w-a ko/
milk-PRON.SUFF.2SG inside-OBL-HI-V.EL do.PAST.3SG

"شیر داخلش می‌ریختی."

b) /tah hizzak-f-a kort-a/
inside hizzak²-PRON.SUFF.3PL-V.EL do.PAST.PP

"داخل مشک دوغزنی می‌کرده‌اند."

۴. عدد ترتیبی + اسم :

26. a) /awal-i-ən halk ham-edən-i-ən/
first-ATTR wife EMPH-here-COP.PRES.3SG

"اولین همسر، همین جا است."

b) /se:-um-i-ən dottag-i: ham-ed-i-ən/
three-ORD-ATTR daughter-PRON.SUFF.3SG EMPH-here-COP.PRES.3SG

"سومین دخترش همین جا است."

۵. اسم + بند موصولی :

27. a) /kas-iə ke guək ma-daft-i-ən hapt hofter
person-INDEF that cow NEG-have.PAST-SUBJ seven camel
mehar-a ko/
halter-V.EL do. PAST.3SG

"کسی که گاو نداشت، (برای برداشت محصول گندم) هفت شتر را افسار می‌کرد."

b) /par-iə dast-an dorr-i-ən ke hoda tra dat-a/
for-this hand-PL beautiful-ATTR that God you.DAT give.PAST-PP

"به خاطر این دست‌های زیبایی که خدا به تو داده است...."

۳.۲. اسم نکره

در بلوچی سرحدی، از پسوند /-iə/ برای نشان دادن نکرگی اسم استفاده می‌شود.

همچنین، برای بیان نکرگی می‌توان از عدد /jakk/ "یک" پیش از اسم هم

¹ genitive

استفاده کرد. بنابراین، نکرگی اسم در بلوچی سرحدی به سه شیوه زیر بیان می‌شود:

۱. اسم + پسوند نکرگی /-iə/:

28. a) /**angriəz -iə** ham-edan jaht-at/
English -INDEF EMPH-here come.PAST-COP.PAST.3SG

“انگلیسی ای همین جا آمده بود.”

b) /ke: kort-at **sahat-iə** par ta/
who do.PAST-COP.PAST.3SG watch-INDEF for you

“چه کسی ساعتی برای تو ساخته بود؟ (ساعتی وجود نداشت).”

۲. عدد /jakk/ + اسم + پسوند نکرگی:

29. /**jag** **napar-iə** sardar -i: nakuə/
one person-INDEF chief-GEN uncle

“شخصی، عمو/دایی سردار”

همان‌طور که در مثال (۲۹) مشاهده می‌شود، همخوان بی‌واک پایانی عدد /jakk/ در مجاورت با همخوان واک‌دار پس از خود به همخوان واک‌دار /g/ تبدیل شده است. همچنین، توجه به این نکته لازم است که کاربرد //jakk/ در این جمله با کاربرد آن در جمله (۳۰) به‌عنوان توصیف‌گری که مقدار “یک” عدد را بیان می‌کند، فرق دارد. در این جمله فقط پسوند نکرگی /-iə/ اسم را نکره کرده است.

30. /jak **kisag-iə** gwand-iən -iə dowazdah hazar -a
one bag-INDEF small-ATTR-INDEF twelve thousand-V.EL
ger-iən/
get.PRES-1PL

“یک کیسه کوچک را دوازده هزار تومان می‌گیریم.”

یکی از ویژگی‌های بلوچی سرحدی مطابقت صفت با اسمی است که توصیف می‌کند. در جمله (۳۰) صفت /gwand-iən-iə/ در نکرگی با اسم نکره /kisag-iə/ مطابقت دارد. این مطابقت فقط در شرایطی وجود دارد که صفت وصفی پس از اسم به کار رود، به‌عبارت دیگر، اگر صفت وصفی پیش از اسم قرار گیرد /gwand-iən kisag-iə/ صفت، پسوند نکرگی نمی‌گیرد.

۳. عدد /jakk/ + پسوند نکرگی:

31. /sawad hob-iən tʃi:z-iən jakk-iə sawad
 Literacy good-ATTR thing-COP.PRES.3SG one-INDEF literacy
 b-dar-i:/
 SUBJ-have.PRES-3SG

”سواد چیز خوبی است اگر کسی سواد داشته باشد.“

در مثال (۳۱) /jakk-iə/ ”یکی“ جایگزین اسم نکره شده است و منظور مقدار ”یک“ نیست اما در جمله (۳۲) به مقدار ”یکی“ اشاره دارد.

32. /ʃa a maʃi:n-an jakk-iə ger-ag bu:t-a/
 From that car-PL one-INDEF catch.PRES-PP become.PAST-PP

”یکی از آن ماشین‌ها گرفته (توقیف) شده است.“

۳.۴. حالت

در زیر، ابتدا نظام حالت در زبان بلوچی معرفی می‌گردد. سپس به بررسی نظام حالت در بلوچی سرحدی پرداخته می‌شود.

۳.۴.۱. نظام حالت در زبان بلوچی

از دیدگاه جهانی (Jahani, 2003: 114)، ”یکی از ویژگی‌های دستوری که شباهت بلوچی به زبان‌های ایرانی گذشته‌تر را نشان می‌دهد، نظام حالت آن است.“ جهانی (Jahani, ibid: 115) معتقد است «بلوچی هم مانند زبان‌های ایرانی غربی میانه، تمایز دو حالت فاعلی و غیرفاعلی در جمع را حفظ کرده است. در صورت مفرد بین این دو حالت تفاوتی وجود ندارد».

کرن (Korn, 2009) و جهانی و کرن (Jahani & Korn, 2009) به‌طور گسترده به بررسی نظام حالت در گویش‌های شرقی، جنوبی و غربی بلوچی پرداخته‌اند. از دیدگاه کرن (Korn, 2009)، گویش‌های بلوچی در ایران به میزان متفاوتی از ترکیب ساخت‌های کنایی و فاعلی استفاده می‌کنند. در این گویش‌ها تمایز حالت مستقیم^۱ [فاعلی] و غیرفاعلی در حال از بین رفتن است و دو حالت گرایش به ادغام دارند. کرن (Korn, ibid: 54-55) معتقد است «پایانه حالت غیرفاعلی جمع [-an] به‌عنوان نشانه عمومی جمع به کار می‌رود و حالت غیرفاعلی مفرد در برخی از نقش‌ها (مانند

^۱ direct case

کاربرد مکانی آن، با یا بدون حروف اضافه) نشانه گذاری نمی‌شود. مفعول‌های غیر صریح و صریح به ترتیب با پایانه غیر فاعلی یا مفعولی مفرد و مفعولی جمع نشانه گذاری می‌شوند. بنابراین می‌توان گفت گویش‌های بلوچی ایران به جای نظامی متشکل از حالت‌های مستقیم، غیر فاعلی و مفعولی در سایر گویش‌ها، حالت فاعلی و غیر فاعلی دارند». جهانی و کرن (Jahani & Korn, 2009: 652) نیز به این نکته اشاره کرده‌اند: «در حالی که در نظام حالت بلوچی در ایران تمایز حالت‌های فاعلی و غیر فاعلی به تدریج در حال از بین رفتن است، گرایش به تمایز اولیه مفرد و جمع در حال بازسازی است. پسوند $\bar{a}n$ -[an] برای نقش‌هایی به کار می‌رود که در سایر گویش‌ها حالت مستقیم و غیر فاعلی دارند. ولی حالت غیر فاعلی مفرد جز در مفعول‌ها نشانه گذاری نمی‌شود (یعنی پس از حروف اضافه، در کاربرد قیدی و برای عامل در ساخت‌های کنایی صفر (\emptyset -) است». جهانی و کرن (Jahani & Korn, ibid) به ارائه نظام حالت بلوچی در ایران به جز گویش‌هایی که در جنوبی‌ترین بخش‌های ایران به کار می‌روند و ممکن است نظامی شبیه به نظام گویش‌های پاکستان داشته باشند و همچنین گویش بلوچی سراوان که از ساخت اضافه به جای حالت ملکی استفاده می‌کند، پرداخته‌اند که به صورت جدول (۱) ارائه می‌شود:

جدول ۱: نظام حالت بلوچی در ایران

ندایی ^۱	ملکی	مفعولی	فاعلی
\emptyset	-ey	$\bar{a}(r\bar{a})$	\emptyset
$\bar{a}n$	$\bar{a}n\bar{i}$	$\bar{a}n\bar{a}$	$\bar{a}n$

در ادامه، به معرفی نظام حالت بلوچی سرحدی و توصیف انواع حالت‌ها در آن پرداخته می‌شود.

۳. ۴. نظام حالت در بلوچی سرحدی

بر اساس آنچه تاکنون در مورد نظام‌های حالت به‌ویژه نظام حالت در زبان بلوچی ایران گفته شد، بلوچی سرحدی نظام حالت فاعلی - مفعولی و نیز نظام حالت

^۱ vocative

کنایی دوگانه دارد. در این گویش، در زمان‌هایی که از ستاک حال ساخته شده‌اند (حال اخباری، حال استمراری، حال التزامی و امری) ساخت فاعلی به کار می‌رود یعنی فاعل حالت فاعلی دارد و مفعول افعال متعدی حالت غیرفاعلی دارد. حالت فاعلی فاعل جمع در بلوچی سرحدی در بیشتر موارد مانند حالت غیرفاعلی جمع است و فعل از لحاظ شمار با فاعل مطابقت دارد. ولی در زمان‌هایی که از ستاک گذشته ساخته شده‌اند (گذشته اخباری، گذشته اخباری ناقص، گذشته استمراری، گذشته نقلی، گذشته دور و گذشته التزامی) ساخت کنایی به کار می‌رود. در ساخت‌های کنایی عامل فعل‌های متعدی به صورت ضمائر پسوندی یا واژه‌بستی است. «این ضمائر در همه نقش‌های حالت غیرفاعلی از جمله عامل در ساخت‌های کنایی به کار می‌روند» (Jahani & Korn, 2009: 654). در ساخت کنایی دوگانه، مفعول فعل‌های متعدی گذشته حالت غیرفاعلی دارد. فعل برای همه اشخاص مفرد و جمع به صورت سوم شخص مفرد است و از لحاظ شمار با عامل مطابقت ندارد. همچنین، باید توجه داشت که در صورت‌های جمع با جایگزین شدن تدریجی صورت غیرفاعلی به جای صورت فاعلی که تحت تأثیر زبان فارسی صورت گرفته است، عامل (اگر اسم باشد) نیز نشانه تصریفی جمع -an/ می‌گیرد و از لحاظ شمار با فعل مطابقت ندارد.

نظام حالت بلوچی سرحدی تمایز دو حالت فاعلی و حالت غیرفاعلی شامل حالت‌های رایبی^۱، برایی^۲، اضافی/ملکی، ندایی، مکانی (دری)، ازی^۳، به‌ای^۴ و بایی^۵ را نشان می‌دهد. این نظام را می‌توان به کمک تصریف یک اسم این گونه نشان داد:

¹ accusative
² dative
³ ablative
⁴ allative
⁵ instrumental

جدول ۲: نظام حالت اسم در بلوچی سرحدی

"بچه" /zahg/		مفرد	جمع
فاعلی		/zahg/	/zahg(-an)/
غیر فاعلی	رای	/zahg-a(ra)/	/zahg-an-a/
	برای	/zahg-a(ra)/	/zahg-an-a/
	اضافی / ملکی	/zahg-ej /	/zahg-an-i: /
	ندایی	/zahg/	/zahg-an/
	سایر ^۱	/zahg(-a)/	/zahg-an/

همان‌طور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، اسم در همه صورت‌های فاعلی و غیر فاعلی جمع می‌تواند پسوند جمع /-an/ بگیرد. همچنین، حالت رایبی و برایی مفرد و جمع صورت یکسانی دارند و تنها در بافت نحوی می‌توان این دو را از یکدیگر تشخیص داد. از این پس این دو حالت به صورت حالت رایبی / برایی نشان داده می‌شوند. عنصر /-ra/ در تصریف اسم فقط با حالت‌های رایبی و برایی مفرد به کار می‌رود. جهانی و کرن (2009: 65) معتقدند «عنصر [-ra]-rā به طور نظام‌مند در تصریف اسم به کار نمی‌رود اما در صیغگان ضمیر حالت‌نمای مفعولی است».

الف - حالت فاعلی

«حالت مستقیم (که حالت فاعلی هم نامیده می‌شود) در جمله‌هایی که ساخت فاعلی دارند فاعل جمله و در جمله‌هایی که ساخت کنایی دارند مفعول را نشان می‌دهد» (Jahani & Korn, 2009: 651). در بلوچی سرحدی، مواردی از یکسانی حالت فاعلی و غیر فاعلی در صورت‌های مفرد با نشانه تصریفی صفر وجود دارد در حالی که در صورت‌های جمع اسم این دو حالت از هم متمایز می‌شوند. حالت غیر فاعلی جمع پسوند تصریفی /-an/ می‌گیرد. در بلوچی سرحدی حالت فاعلی مفرد در ساخت‌های فاعلی نشانه تصریفی صفر دارد؛ مانند:

^۱ سایر حالت‌های غیر فاعلی در اینجا شامل حالت‌های ازی، به‌ای و بایی می‌شود.

33. /mni: **tʃamm** ruəʃen-a bi: /
 I.GEN eye .NOM light-V.EL become.PRES.3SG

”چشم روشن می‌شود.“

در پیکره زبانی این پژوهش یک مورد از حالت فاعلی جمع با نشانه تصریفی صفر در ساخت‌های فاعلی نیز یافت شد.

34. /ti: **zahg** ham-uə ges-a-w-an/
 you.GEN child.NOM EMPH-there home-OBL-HI-COP.PRES.3PL

”بچه‌هایت همان جا خانه‌اند.“

همان‌طور که جهانی (Jahani, 2003) نیز اظهار داشته است، در بلوچی ایران، حالت فاعلی جمع جای خود را به حالت غیرفاعلی جمع با پسوند /-an/ داده است. در ساخت‌های کنایی بلوچی سرحدی عامل اگر اسم باشد با حالت غیرفاعلی جمع به کار می‌رود:

35. /j-iə **mardom-an** nemaz-a na-ko/
 HI- this people.OBL-PL prayer-V.EL NEG-do.PAST.3SG

”این افراد نماز نمی‌خوانند.“

از سوی دیگر، «در بلوچی ایران گاهی در نقش‌های مکانی، به‌ای (با یا بدون حرف‌اضافه)، پس از حروف‌اضافه و به عنوان عامل در ساخت کنایی، حالت فاعلی جایگزین حالت غیرفاعلی شده است» (Jahani, 2003: 123). در نمونه‌های زیر از بلوچی سرحدی حالت غیرفاعلی اسم پس از حروف‌اضافه صورت حالت فاعلی به خود گرفته است:

36. a) /hormag-ef b-de **guə** **ʃi:r/**
 date-PRON.SUFF.3PL IMP-give.PRES.2SG with milk

”به آنها خرما و دوغ بده.“

- b) /**be eslamabad** madʒdʒet-iə dʒwan-ef kort-a
 to Islam Abad mosque-INDEF good-PRON.SUFF.3PL do.PAST-PP

”در اسلام آباد مسجدی درست کرده‌اند.“

ب- حالت غیرفاعلی

از دیدگاه جهانی و کرن (Jahani & Korn, 2009: 651)، «حالت غیرفاعلی برای عامل در ساخت‌های کنایی، با حروف‌اضافه و در حالت مکانی و نقش‌های قیدی به کار می‌رود». در بلوچی سرحدی حالت غیرفاعلی شامل حالت‌های رایبی/ برایی،

ملکی، ندایی، مکانی، به‌ای، ازی، بایی و عامل در ساخت‌های کنایی می‌شود که، در ادامه، به تفکیک بررسی خواهند شد.

۱- حالت رای‌ی / برای‌ی

به باور جهانی و کرن (Jahani & Korn, 2009: 651)، «حالت مفعولی [رای‌ی / برای‌ی] در جمله‌هایی که براساس نظام فاعلی- مفعولی ساخته شده‌اند، برای مفعول صریح و غیرصریح به کار می‌روند. حالت غیرفاعلی هم در این نقش به کار می‌رود». براساس کرن (Korn, 2009)، در بلوچی همه مفعول‌ها نشانه حالت نمی‌گیرند. فقط مفعول‌های صریح معرفه نشانه گذاری می‌شوند و مفعول‌های نکره، حالت مستقیم دارند.

حالت رای‌ی / برای‌ی بلوچی سرحدی با پسوند /-a(ra)/ در صورت‌های مفرد نشانه گذاری می‌شود. در صورت‌های جمع پسوند حالت رای‌ی / برای‌ی به صورت /-a/ است که پس از پسوند جمع /-an/ می‌آید. بنا بر این، عنصر /-ra/ در صورت‌های جمع با حالت رای‌ی / برای‌ی به کار نمی‌رود. حالت رای‌ی حالت مفعول صریح و حالت برای‌ی حالت مفعول غیرصریح است. هر دو حالت با رعایت شرایط بالا در صورت مفرد، پسوند /-a(ra)/ می‌گیرند. نمونه‌های (۳۷a) و (۳۷b) حالت رای‌ی مفرد و نمونه (۳۷c) حالت رای‌ی جمع اسم در بلوچی سرحدی را نشان می‌دهند. همچنین، در اسم‌های به کاررفته در ساخت همپایه، فقط اسم دوم نشانه حالت رای‌ی / برای‌ی می‌گیرد.

37. a) /pelpel o hwad-a tah-et na-kort-a /
pepper and salt-ACC inside-PRON.SUFF.2SG NEG-do.PAST-PP
”نمک و فلفل را در آن نریخته‌ای.“

b) / sarag-ara dʒuər ko/
head-ACC good do.PAST.3SG
”کله (پاچه) را درست کرد.“

c) /hatim-an-a tʃuən-a kan-e/
orphan-PL-ACC how-V.EL do.PRES-2SG
”یتیم‌ها را چکار می‌کنی؟“

در نمونه (۳۸) مفعول غیرصریح حالت برای‌ی دارد.

38. /ma-gwa ke man j-iə kuər-ara
 PROH-say.PRES.2SG that I PROTH-this blind-DAT
 hazar tu:man dat-a/
 thousand toman give.PAST-PP

”نگو که من به این ناینه هزار تومان داده‌ام.“

اما در نمونه (۳۹) مفعول صریح چون نکره است پایانه حالت رایسی نگرفته و صورت فاعلی دارد.

39. /dast o diəm b-fuəd-iət/
 hand and face IMP-wash.PRES-2PL

”دست و صورت (خود را) بشوید.“

۲- حالت اضافی / ملکی

این حالت برای نشان دادن رابطه مالکیت بین دو اسم و یا یک ضمیر و یک اسم به کار می‌رود. پسوند حالت ملکی در بلوچی سرحدی /-i:/ است که در برخی از موارد به /-ej/ تبدیل می‌شود. در واقع، پایانه حالت ملکی /i:/ به دنبال اسم‌هایی که پایانه حالت غیرفاعلی /-a/ دارند یا ضمائر اول شخص جمع و دوم شخص جمع که به /a/ ختم شده‌اند به صورت /ej/ تبدیل می‌شود؛ مانند:

40. /zahg-a/ + /-i:/ → /zahg-ej/ ”مال بچه“

نمونه‌هایی از اسم با حالت ملکی:

41. a) /send-i: tu:h bu:/
 age-GEN big become.PAST.3SG

”سنش بزرگ شد.“

b) /ber iə kuəh-an-i: tah-a/
 on this mountan-PL-GEN inside-OBL

”در درون این کوهها“

از دیدگاه جهانی (Jahani, 2003: 127)، «در بلوچی، ساخت‌های پس‌اضافه‌ای که در اصل عبارت‌های مکانی بوده‌اند، بر حالت ملکی حاکمیت دارند». این ویژگی در بلوچی سرحدی نیز به همین صورت است و پس‌اضافه‌ها در بیشتر موارد بر حالت ملکی حاکمیت دارند؛ مانند:

42. a) /ham-iə ti: rah-əj sar-a paliəz-iən/
EMPH-this you.GEN way-GEN head-OBL garden-COP.PRES.3SG
”همین سرِ راهت جالیزی هست.“

b) /gedan-i: tah-a zendegi -j-a kort-a/
tent-GEN inside-OBL life-HI-V.EL do.PAST-PP

”داخل سیاه چادر زندگی می کرده اند.“

پس اضافه های بلوچی سرحدی ممکن است به صورت پیش اضافه به کار روند که در این صورت بر حالت ملکی حاکمیت ندارند؛ مانند /tah/ «داخل» در جمله (۴۳) که به صورت پیش اضافه به کار رفته است.

43. /tah kuəʃi-f-a kort-a/
Inside room-PRON.SUFF.3PL-V.EL do.PAST-PP

”آنها را داخل اتاق می گذاشتند.“

۳- حالت ندایی

این حالت برای خطاب کردن به کار می رود. حالت ندایی به ندرت با صورت جمع اسم های عام به کار می رود و در اسم های مفرد نشانه تصریفی آن صفر است. از دیدگاه جهانی (Jahani, 2003: 121) «نظر به اینکه تمایز حالت فاعلی و غیرفاعلی عام فقط در اسم های مفرد و نه ضمائر حفظ شده است، ضرورتی ندارد که برای بلوچی ایران حالت جداگانه ندایی در نظر بگیریم، به ویژه به این دلیل که تغییر تکیه در حالت ندایی بلوچی الگوی مشخصی ندارد. در فارسی حالت ندایی با تغییر تکیه بخش پایانی به بخش آغازین همراه است». با توجه به آنچه گفته شد، گاهی حالت ندایی بلوچی سرحدی تحت تأثیر فارسی با تکیه آغازین همراه است.

44. a) /wadʒa se: əp wart-a/
sir.VOC three water eat.PAST-pp

”آقا، (زمین) سه (بار) آبیاری شده است.“

b) /wa dade b-uər/
INTERJ sister.VOC IMP-eat.PRES.2SG

”وای! خواهر (بفرما) بخور.“

۴- حالت مکانی

این حالت برای نشان دادن مکان یا جهت استفاده می شود. به عبارت دیگر، حالت مکانی یک گروه اسمی بر مکان یا جایگاه دلالت می کند. نشانه حالت مکانی در

بلوچی سرحدی پایانه /-a/ است که به اسم پس از حروف اضافه می‌پیوندد؛ مانند (۴۵). علاوه بر حالت غیرفاعلی، گاهی در این حالت اسم به صورت حالت فاعلی و بدون پایانه حالت مکانی به کار می‌رود؛ مانند (۳۶b) که در اینجا در (۴۶) تکرار می‌شود:

45. /man di: maʃi:n jah be ham-a
I see.PAST.3SG car come.PAST.3SG to EMPH-that

kabrestan-a/
graveyard-LOC

”من دیدم ماشین به همان قبرستان آمد.“

46. /be eslamabad madʒdʒet-iə dʒwan-ef kort-a/
to Islam Abad mosque-INDEF well-PRON.SUFF.3PL do.PAST-PP

”در اسلام آباد مسجدی درست کرده‌اند.“

از نظر آکسنوف (2006: 80, Axenov)، «پایانهٔ ملکی [-i:]-[i:] با گرفتن پایانهٔ مفعولی [-ā]-[a] صورت‌هایی مانند [gisayā]-[ges-ej-a] می‌سازد که حالت مکانی نامیده می‌شود». این حالت در بلوچی سرحدی نیز به همین شیوه و پس از حرف اضافهٔ /pa/ ساخته می‌شود (در این گویش پایانهٔ ملکی به صورت (-e) و همخوان میانجی [-j-] بین تکواژ ملکی و نشانهٔ حالت غیر فاعلی به کار می‌رود):

47. /man-a ra-iən pa ti: mas-eja/
I-V.EL go.PRES-1SG for self.GEN mother-LOC (-GEN-HI-OBL)

”من پیش مادرم می‌روم.“

۵- حالت به‌ای

در بلوچی سرحدی اسم با حالت به‌ای نیز پسوند /-a/ می‌گیرد (۴۸a). این حالت نیز گاهی به جای حالت غیرفاعلی به صورت حالت فاعلی (۴۸b) به کار می‌رود:

48. a) /har se-iən napar-an dʒasad-a be kabr-a jīər
every three-ATTR man-PL body-ACC to grave-ALL down
da-iət/
IMP.give.PRES-2PL

”هر سه نفر جسد را در قبر بگذارید.“

b) /a mardom-an-i: dʒah be beheft-en/
that people-PL-GEN place to heaven-COP.PRES.3SG

”جای آن مردم در بهشت است.“

۶- حالت ازی

این حالت پس از حرف اضافه /fa/ به کار می‌رود. در بلوچی سرحدی حالت ازی با پایانه حالت غیرفاعلی /-a/ نشان داده می‌شود. این حالت به صورت حالت فاعلی و بدون نشانه تصریفی حالت غیرفاعلی مانند نمونه (۴۹b) نیز بیان می‌شود:

49. a) /ma-kan porr bu: fa riək-a/
PROH-do.PRES full become.PAST.3SG from sand-ABL
”نکن! پراز ریگ (خاک) شد.“

b) /potʃf-an-a fa hwaf-a ger-an/
cloth-PL-ACC from Khash-V.EL take.PRES-3PL
”پارچه‌ها را از خاش می‌گیرند (می‌خرند).“

۷- حالت بایی

این حالت را حالت ابزار^۱ هم نامیده‌اند. در بلوچی سرحدی پایانه حالت /-a/ برای نشان دادن حالت بایی به اسم پس از حرف اضافه (n) guə «با» می‌پیوندد. گاهی این حالت به صورت حالت فاعلی و بدون نشانه تصریفی حالت غیرفاعلی مانند نمونه (۵۰b) بیان می‌شود:

50. a) /guə ɖuəl-a fa tfah-a ap-a kaʃfet-iən/
with bucket-INST from well-ABL water-V.EL pull.PAST-1PL
”با دلو از چاه آب می‌کشیدیم.“

b) /hormag-eʃ b-de guə ʃi:r/
date -PRON.SUFF.3PL IMP-give.PRES.2SG with milk
”به آنها خرما و دوغ بده.“

۸- عامل در ساخت‌های کنایی

این حالت در نظام‌هایی که حالت کنایی مطلق دارند، حالت فاعل فعل متعدی را نشان می‌دهد که با فاعل فعل لازم و مفعول فعل متعدی فرق دارد. در ساخت‌های کنایی دوگانه بلوچی سرحدی عامل معمولاً یک ضمیر پسوندی یا واژه‌بست عامل^۲ مناسب است، مفعول فعل‌های متعدی حالت غیرفاعلی دارد، فعل به صورت سوم شخص مفرد است و از لحاظ شمار با عامل مطابقت ندارد؛ مانند:

¹ instrumental

² agent clitic

51. a) /jak patʃen-ɛf dʒat ham-angu/
 one goat-PRON.SUFF.3PL hit.PAST.3SG EMPH-that side
 ”آنجا (دوردست) بز نری شکار کرده‌اند.“
- b) /pa kalah-iə-on dist/
 for moment-INDEF-PRON.SUFF.1SG see.PAST.3SG
 ”من برای لحظه‌ای او را دیدم.“
- c) /tʃap-f-a dʒat/
 clap-PRON.SUFF.3PL-V.EL hit.PAST.3SG
 ”دست می‌زدند.“

۳.۵. مالکیت

در بلوچی سرحدی علاوه بر کاربرد حالت اضافی /ملکی (رک. ۳.۴. بخش ب.۲) از شیوه‌های مختلف دیگری نیز برای بیان مالکیت استفاده می‌شود. از دیدگاه جهانی و کرن (2009, 666: Jahani & Korn, 2009)، «در بلوچی از ساختارهای مختلفی برای مفهوم «داشتن» استفاده می‌شود». از آنجایی که کلیه این ساختارها در بلوچی سرحدی هم یافت می‌شوند، ضمن اشاره مختصر به این ساختارها به نمونه‌هایی از بلوچی سرحدی نیز اشاره می‌شود: (۱) سوم شخص مفرد فعل ربطی با یا بدون مطابقت با شمار موارد مورد مالکیت برای بیان مالکیت داریم. در اینجا مالک، حالت مفعولی یا ملکی دارد (نمونه ۵۲a)، (۲) حروف اضافه برای بیان مالکیت موقت (نمونه ۵۲b)، و (۳) کاربرد فعل /daft-en/ «داشتن» (نمونه ۵۲c)، نگه داشتن، حفظ کردن و محافظت کردن از دیگر معانی این فعل هستند (نمونه ۵۲d).

52. a) /ma-ra laht-iə boz hat-at/
 we-ACC some-INDEF goat be.PAST-COP.PAST.3SG
 ”تعدادی بز داشتیم.“
- b) /angriəz-iə ham-edan jaht-at/
 English-INDEF EMPH-here come.PAST-COP.PAST.3SG
 ketab-iə guən-at/
 book-INDEF with-COP.PAST.3SG
 ”انگلیسی‌ای به اینجا آمده بود، کتابی (با خود) داشت.“
- c) /grantʃin dʒarr-iə dar-i:/
 Granchin plant-INDEF have.PRES-3SG
 ”گرنجین گیاهی دارد.“
- d) /mna se: ʃap daft/
 I.ACC three night have.PAST.3SG
 ”مرا سه شب نگه داشت.“

براساس جهانی (Jahani, 2003: 128)، «ممکن است ساخت ملکی به تدریج جای خود را به ساخت اضافه^۱ بدهد که در بلوچی ایرانی در حال وقوع است». جهانی معتقد است «ساخت اضافه هم از طریق پیش اضافه‌ها با اضافه و هم از طریق کل عبارت‌های قرضی از فارسی وارد بلوچی می‌شود». موارد محدودی از ساخت اضافه در بلوچی سرحدی که از فارسی وارد این گویش شده‌اند، مؤید این مطلبند:

53. a) /ahmadinežad sar-e taht-a neft-a/
Ahmadinezhad on- EZ throne-OBL sit.PAST-PP

” احمدی نژاد بر تخت نشسته است.“

b) /sahat-e jakk/
hour- EZ one

”ساعت یک“

۴. نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف مطالعه توصیفی مقوله‌های تصریفی اسم در بلوچی سرحدی گرنجین انجام شد. نتایج حاصل از بررسی داده‌های پژوهش نشان داد که تصریف اسم در این گویش در مقوله شمار به دو صورت مفرد و جمع یافت می‌شوند. شمار در اسم‌های مفرد با تکواژ صفر (Ø-) و در اسم‌های جمع با تکواژ /-an/ نشانه‌گذاری می‌شود. این تکواژ برای جمع بستن همه اسم‌ها (جان‌دار، بی‌جان، قابل شمارش و غیرقابل شمارش) به کار می‌رود. همچنین، این تکواژ برای بیان شمار جمع با واژه‌های قرضی و صفت جانشین اسم نیز به کار می‌رود. مقوله شمار در مورد اسم‌های عام مطرح نمی‌شود. اسم‌هایی که مصداق منحصر به فردی در عالم واقع دارند، جمع بسته نمی‌شوند. اگر هم با نشانه جمع به کار روند، معنای متفاوتی به خود می‌گیرند. بلوچی سرحدی فاقد هر گونه نشانه تصریفی برای جنس دستوری است. به عبارت دیگر، تکواژ تصریفی جنس دستوری صفر است. با وجود این، از جنس واژگانی به‌طور فعال برای تمایز دو جنس مذکر و مؤنث بهره می‌برد. جنس واژگانی را می‌توان در اصطلاحات خویشاوندی، اصطلاحات خطاب، اسم‌های شخصی افراد و حیوانات یافت. این اسامی از نظر ساخت‌واژی

^۱ izāfa

فاقد نشانهٔ جنس واژگانی هستند. معرفگی اسم در بلوچی سرحدی به سه صورت معرفگی ذاتی (اسم‌های خاص و جنس)، معرفگی ساخت‌واژی (به کمک پایانه‌های حالت) و معرفگی در بافت نحوی است. در بلوچی سرحدی، از پسوند /-iə/ برای نشان دادن نکرگی اسم استفاده می‌شود. همچنین، برای بیان نکرگی می‌توان از عدد /jakk/ "یک" پیش از اسم و یا از عدد /jakk/ "یک" به همراه پسوند نکرگی /-iə/ استفاده کرد. تصریف اسم در مقولۀ حالت حاکی از آن است که بلوچی سرحدی، نظام حالت فاعلی-مفعولی و نیز نظام حالت کنایی دوگانه دارد. در این گویش در زمان‌هایی که از ستاک حال ساخته شده‌اند، ساخت فاعلی به کار می‌رود یعنی فاعل حالت فاعلی دارد و مفعول افعال متعدی حالت غیرفاعلی دارد. حالت فاعلی فاعل جمع در بلوچی سرحدی در بیشتر موارد مانند حالت غیرفاعلی جمع است و فعل از لحاظ شمار با فاعل مطابقت دارد. ولی در زمان‌هایی که از ستاک گذشته ساخته شده‌اند، ساخت کنایی دوگانه نیز به کار می‌رود. در این ساخت‌های کنایی عامل فعل‌های متعدی به صورت ضمیر پسوندی و مفعول حالت غیرفاعلی دارد. فعل به صورت سوم شخص مفرد است و از لحاظ شمار با عامل مطابقت ندارد. همچنین، باید توجه داشت که در صورت‌های جمع با جایگزین شدن تدریجی صورت غیرفاعلی به جای صورت فاعلی که تحت تأثیر زبان فارسی صورت گرفته است، عامل (اگر اسم باشد) نیز نشانهٔ تصریفی جمع /-ən/ می‌گیرد و از لحاظ شمار با فعل مطابقت ندارد. در این نظام حالت، دو حالت فاعلی و حالت غیرفاعلی شامل حالت‌های رایبی، برایی، ملکی، ندایی، مکانی^۱ (دری)، ازی، به‌ای و بایی از یکدیگر متمایز می‌شوند. مالکیت، علاوه‌بر استفاده از حالت اضافی /ملکی، به کمک فعل ربطی، حروف- اضافه، فعل /daft-en/ و عبارت‌های قرضی از فارسی بیان می‌شود.

^۱ locative

فهرست اختصارات

First person	1	Interjection	INTERJ
Second person	2	Locative	LOC
Third person	3	Negative	NEG
Ablative	ABL	Past	PAST
Accusative	ACC	Plural	PL
Allative	ALL	Past Participle	PP
Attributive	ATTR	Present	PRES
Causative	CAUS	Pre verb	PREV
Comparative degree	CMP	Prohibition	PROH
Copula verb	COP	Pronominal Suffix	PRON.SUF
			F
Dative	DAT	Proper noun	PN
Diminutive	DIM	Prothesis	PROTH
Ezafe	EZ	Oblique	OBL
Emphatic	EMPH	Ordinal	ORD
Genitive	GEN	Plural	PL
Gerundive	GERV	Past participle	PP
Hiatus	HI	Subjunctive prefix	SUBJ
Imperative	IMP	Singular	SG
Indefinite	INDEF	Verbal element	V.EL
Infinitive	INF		

منابع

- اگرادی، ویلیام، مایکل دابروولسکی و مارک آرونف (۱۳۸۴). *درآمدی بر زبان‌شناسی معاصر*. ترجمه علی درزی، جلد اول. تهران: سمت.
- انوری، حسن و حسن احمدی گیوی (۱۳۸۸). *دستور زبان فارسی*. جلد دوم. تهران: انتشارات فاطمی.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲). *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی (جلد ۱ و ۲)*. تهران: سمت
- ماهوتیان، شهروز (۱۳۸۴). *دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی*. ترجمه مهدی سمائی. تهران: نشر مرکز.
- مشکوه‌الدینی، مهدی (۱۳۸۸). *دستور زبان فارسی: واژگان و پیوندهای ساختی*. تهران: سمت

- Anvari, H. & H. Givi (1988). *The Persian Language Grammar (vol 2)*. Tehran: Fatemi Publications. [In Persian]
- Axenov, S. (2006). *The Balochi Language of Turkmenistan*. Ph.D Dissertation. Sweden: Uppsala University.
- Baranzehi, A. N. (2003). "The Sarawani Dialect of Balochi and Persian Influence on it". *The Baloch and their Neighbours: Ethnic and Linguistic Contacts in Balochistan in Historical and Modern Times*. C. Jahani & A. Korn (eds.). Wiesbaden. pp. 75-111.
- Booij, G. (2007). *The Grammar of Words: An Introduction to Morphology* (2nd Edition). New York: Oxford University Press.
- Comrie, B. (1978). "Ergativity". *Syntactic Typology: Studies in the Phenomenology of Language*. W. Lehman (ed.). Sussex: The Harvester Press. pp: 329-394.
- Corbett, G. G. (2004). *Number*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Croft, W. (2003). *Typology and Universals* (2nd Edition). Cambridge: Cambridge University Press.
- Dabir-Moghaddam, M. (2013). *Typology of Iranian Languages (vol 1 & 2)*. Tehran: SAMT. [In Persian]
- Dixon, R. M. W. (1994). *Ergativity*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Hellinger, M. & H. Bußmann (2001). *Gender across Languages: The Linguistic Representation of Women and Men*. vol I. Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.
- Jahani, C. (2003). "The Case System in Iranian Balochi in Contact Linguistic Perspective". *The Baloch and their Neighbours: Ethnic and Linguistic Contacts in Balochistan in Historical and Modern Times*. C. Jahani, C. & A. Korn (eds.). Wiesbaden. pp. 113-132
- Jahani, C. & A. Korn (2009). "Balochi". *The Iranian Languages*. G. Winfuhr (ed.). Routledge. pp. 634-692.
- Katamba, F. & J. Stonham (2006). *Morphology* (2nd Edition). Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- Korn, A. (2008). "Marking of Arguments in Balochi Ergative and Mixed Constructions". *Aspects of Iranian*

- Linguistics*. S. Karimi, V. Samiian & D. Stilo (eds.). Newcastle: Cambridge Scholars Publishing. pp. 249-276
- Korn, A. (2009). "The Ergative System in Balochi from a Typological Perspective". *Iranian Journal of Applied Language Studies*. University of Sistan and Baluchestan. pp. 43-79
 - Mahootian, Sh. (2005). *Persian Language Grammar from a Typological Perspective*. Translator: M. Samaee. Tehran: Markaz Publication. [In Persian]
 - Meshkato-Dini, M. (2009). *Persian Grammar: The Lexical Categories and Merge*. Tehran: SAMT. [In Persian]
 - O'grady, W. D., M. Dobrovolsky & M. Aranoff (2001). *Contemporary Linguistics: An Introduction (vol 1)*. Translator: A. Darzi. Tehran: SAMT. [In Persian]
 - Payne, T. E. (1999). *Describing Morpho-syntax: A Guide for Field Linguistics*. University of Oregon and Summer Institute for Linguistics. England: Cambridge University Press.
 - Štekauer, P. & R. Lieber (2005). *Hand Book of Word-formation*. Netherland: Springer Tallerman, M. (2011). *Understanding Syntax* (3rd Edition). London: Arnold.

The Study of Inflectional Categories of Noun in Sarhaddi Balochi of Granchin¹

Abbas Ali Ahangar²

Moosa Mahmoodzahi³

Farzaneh Jamalzahi⁴

Received: 2015/10/18

Accepted: 2017/09/06

Abstract

Sarhaddi Balochi dialect is a sub-branch of western (Rakhshani) Balochi. The western dialects of Balochi Language are spoken in: “[...] eastern Iran, in pockets in Khorasan and Golestan, then further south in Sistan and in the northern parts of Balochistan around Zahedan and Khash, with varieties often referred to as Sistani [...] and Sarhaddi [...]” (Jahani and Korn, 2009: 637), among other areas and districts out of Iran.

The present research is going to study the inflectional or morpho-syntactic categories of noun including: number, gender, definiteness, case and possession in Sarhaddi Balochi of Granchin. This synchronic investigation has been carried out based on the corpus collected through a fieldwork in Granchin district located about 35 kms southeast of Khash city in Sistan and Baluchestan province in Iran. The data were gathered

¹ . (DOI): 10.22051/JLR.2017.6942.1008

² Associate Professor, English Language and Literature Department, University of Sistan and Baluchistan (corresponding author); ahangar@english.usb.ac.ir

³ Associate Professor, English Language and Literature Department, Velayat University of Iranshahr; m.mahmoudzahi@velayat.ac.ir

⁴ MA in General Linguistics, English Language and Literature Department, University of Sistan and Baluchistan; Farzaneh.jamalzahi@yahoo.com

via free speech recording and interviewing with 10 illiterate local resident speakers (5 males and 5 females) with an age range of 50-80 years with different social backgrounds.

The results showed that as to number category, Sarhaddi Balochi distinguishes between singular and plural number. In this regard, number is marked as zero morpheme (-Ø) in singular nouns (e.g., /zahg/ “child, son”) and /-an/ in plural nouns (e.g., /zahg-an/. “children, sons”) The plural morpheme is used with all types of nouns (animate , inanimate, countable and uncountable). Similarly, to express plurality, this morpheme is used with loan words (e.g., /wasael-an/ from Arabic meaning “means” and the adjectives as noun substitutes (e.g., /gwand-ok-an/ “the small” a substitute for “kids”) as well. In addition, the category of number is not employed with common nouns and the nouns with a unique reference; in case they take the plural number they have a different meaning. For example /hofter/ “camel” is used as a common or general noun and /hofter-an/ “camels” in spite of taking the plural form does not refer to the number of camels but is used as a common noun as well, as shown in (1a) and (1b) respectively:

(1) a. / **hofter** ruəʃ-iə se: əp-a wə/
 camel day.INDEF three water-V.EL
 eat.PRES.3SG

‘Camel drinks water three times a day.’

b. /**hofter-an** ruəʃ-iə se: əp-a
 war-an/
 camel-PL day-INDEF three water-V.EL
 eat.PRES-3PL

‘Camels drink water three times a day.’

Similarly, as given in (2a) and (2b), the meaning of the noun /ruə(ʃ)/ “sun” with a unique reference changes to “days” if it is pluralized as /ruəʃ-an/:

(2) a. /**ruə(ʃ)** ʃa kuəh-a sar-a kan/
 sun from mountain-OBL on-V.EL
 do.RES.3SG

‘ The sun rises from the top of the mountain.’

b. . /**ruəʃ-an** təh kuəʃi-j-an ʃap-an ham-
 edan-iən/

day-PL inside room-HI –PL night-PL
EMPH-here-COP.PRES.1PL
' We are in rooms in days, (and) here at nights.'

Although this dialect lacks any inflectional marker for grammatical gender, it actively employs, for instance, lexical gender (though with no morphological marker) to differentiate between nouns referring to males and females. This type of gender can be found in family terms (e.g., /pess/ "father" and /mas/ "mother"), address terms (e.g., /wadʒa/ "sir" used to address males versus /balli:/ "grandmother" used for addressing grandmothers), the names of people (e.g., /mah bi:bi:/ "a proper for women" and /dʒomma/ "a proper name for men) as well as animals (e.g., /sag/ "dog" as a common noun, but /naraz/ "male dog" and /mend/ "female dog").

Besides, in regard with definiteness in Sarhaddi Balochi, it is manifested in nouns in three ways: intrinsic definiteness, (proper nouns (e.g., /rostrom/ "a proper noun for men") and generic nouns (e.g. /draht/ "tree"), morphological definiteness (using a case marker, e.g. the direct object marker -a in /tʃahi-j-ɑ/ "the tea"), and definiteness in the syntactic context (e.g., possessive adjective + noun: /mni: nakuəzəht/ "my cousin"). On the other hand, to show indefiniteness, the suffix /-iə/ is added to the noun, or the number /jakk/ 'one' plus the indefinite suffix may be used, too (e.g., / (jak) sahat-iə/ "a watch").

The case system of this dialect is a nominative–accusative system and the case is displayed in the form of nominative (e.g., /zahg/ "child, son") and oblique cases. In this regard, oblique case is morpho-syntactically manifested as accusative/dative (e.g., /zahg-ɑ(ra)/ "the child (as direct object) / to the child"), genitive (e.g., /zahg-ej/ "child's") , vocative (e.g., /zahg/ (e.g., oh you child!)), locative (e.g., / be... kabretan-ɑ/ "tograveyard"), allative (e.g., /be beheʃt/ "in heaven"), ablative (e.g., /ʃa riək-ɑ/ "from sand" and instrumental (e.g., /guə dʒəl-ɑ/ "with bucket") case forms. However, this dialect of Balochi makes use of split ergative system in its past system of verb as well. In ergative structures, the agent of transitive verbs appears in the form of suffixed pronouns and bears the oblique case. Also, the verb is realized as third person singular with all subject agents and does not agree with the agents in number, as shown in (3):

(3) /jak patʃen-ɛʃ dʒat ham-angu/
 one goat-PRON.SUFF.3PL hit.PAST.3SG EMPH-
that side
 ‘They hunted a goat over there.’

Furthermore, in Sarhaddi Balochi, possession is, apart from genitive case marking, expressed via the use of third person singular form of the copula, adpositions, the verb /dʒʃt-en/ ‘to have’ and some borrowed expressions from Persian.

Keywords: Sarhaddi Balochi, noun, number, gender, definiteness, case, possession